خبر

حسن روحانی ۲۵ هزار جلد کتاب به کتابخانه ملی اهدا کرد

با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، مجموعه شخصی او شامل ۲۵ هزار جلد کتاب ارزشمند رسماً افتتاح و به مخازن این سازمان افزوده شد.

به گزارش ایلنا به نقل از روابط‌عمومی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی، رئیس‌جمهوری اسبق ایران، با حضور سیدرضا صالحی‌امیری، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و غلامرضا امیرخانی رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و هیئت فرهنگی همراه با حضور در این سازمان مجموعه شخصی خود را که شامل ۲۵ هزار جلد کتاب است رسماً افتتاح کرد.

این مجموعه ارزشمند شامل ۲۵ هزار جلد کتاب در موضوعات متنوع علوم انسانی است که با اهدای آن به سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، بخش قابل توجهی از منابع شخصی حسن روحانی در اختیار پژوهشگران قرار گرفت. آثار مذکور پس از فهرست‌نویسی و سازمان‌دهی در مخازن و تالارهای تخصصی کتابخانه ملی در دسترس عموم قرار خواهد گرفت.

روحانی در این مراسم با اشاره به یادداشت‌های شخصی خود در حاشیه برخی کتاب‌ها به‌ویژه کتاب‌های درسی توضیحاتی درباره استادان و سال‌های تحصیل خود ارائه کرد. او همچنین به تجربه دوران تحصیل در مدرسه‌ای که به ابتکار آیت‌الله شهید بهشتی در سال ۱۳۴۰ در قم تأسیس شده بود پرداخت. وی در ادامه با یادآوری خاطراتی از دوران تحصیل دانشگاهی و استادان آن سال‌ها بر ارزش علمی و شخصی این مجموعه اهدایی تأکید کرد.

این مراسم با حضور مدیران و کارشناسان سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران همراه بود.

از «پوست شیر» تا «وحشی»؛ چرا خشونت به فرمول موفقیت نمایش خانگی بدل شد؟

عادی‌سازی خشونت در سریال‌ها

خشونت در سریال‌های ایرانی، دیگر فقط یک عنصر دراماتیک نیست؛ به فرمول اصلی موفقیت پلتفرم‌ها بدل شده است. داوود فتحی، روانشناس، می‌گوید این روند نه‌تنها بازتاب تنش‌های اجتماعی و روانی جامعه است، بلکه می‌تواند به عادی‌سازی و بازتولید خشونت در زندگی روزمره مردم منجر شود.

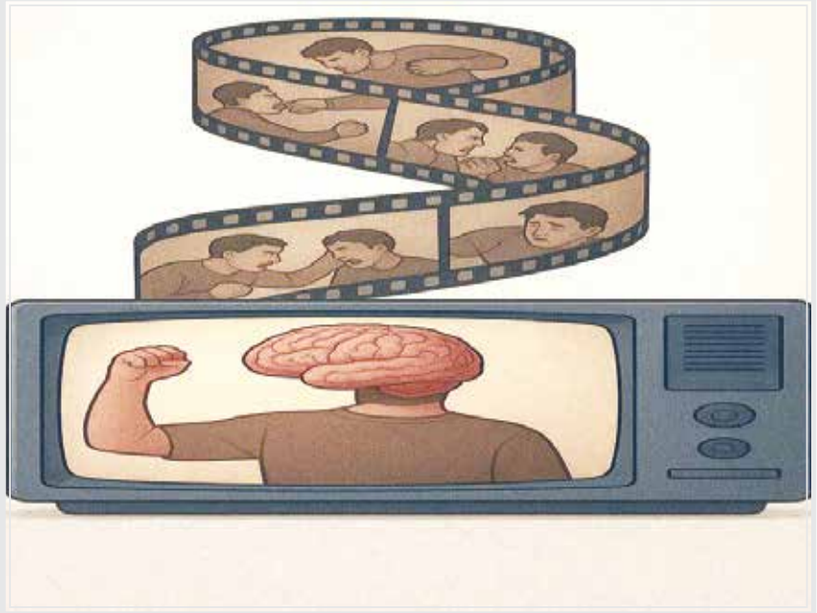

می‌توان این موضوع را چنین بررسی کرد که آیا این حجم از خشونت در سریال‌ها صرفاً بازتاب جامعه است یا موجب تشدید خشونت در جامعه هم می‌شود؟

ریحانه اسکندری: خشونت در آثار نمایشی ایران دیگر نه استثناست و نه حاشیه‌ای؛ به یک قاعده و حتی فرمول موفقیت تبدیل شده است. در سال‌های اخیر، بسیاری از پرمخاطب‌ترین سریال‌های شبکه نمایش خانگی ـ از «پوست شیر» تا «زخم کاری»، «جان‌سخت» و «وحشی»؛ روایتی سرشار از خون، انتقام، قتل، درگیری و خشونت عریان را به نمایش گذاشته‌اند؛ روایاتی که هرچند تماشاگر میلیونی دارند، اما هم‌زمان این پرسش جدی را به میان می‌کشند:

آیا این جریان بازتابی از واقعیت تلخ و پرتنش جامعه ایران است یا نتیجه سلیقه‌سازی آگاهانه فیلم‌سازان و پلتفرم‌ها برای جذب مخاطب؟ و مهم‌تر اینکه، آیا تکرار این صحنه‌ها، به عادی‌سازی خشونت در ذهن مخاطب و در نهایت به خشونت بیشتر در روابط اجتماعی نمی‌انجامد؟

برای واکاوی این موضوع، سراغ داوود فتحی، روانشناس فعال در حوزه کودک و نوجوانان، رفتیم. او تأکید می‌کند که خشونت در سریال‌های امروز را نمی‌توان صرفاً محصول ذائقه تماشاگر یا ترفند فیلم‌ساز دانست، بلکه حاصل یک تعامل دوسویه است. فتحی معتقد است جذابیت این روایت‌ها برای مخاطب ایرانی، ریشه در فشارهای روانی، بحران‌های اجتماعی و حتی نیازهای سرکوب‌شده او دارد؛ اما همین جذابیت می‌تواند در بلندمدت خطرناک باشد و به بازتولید خشونت در جامعه دامن بزند. داوود فتحی، در پاسخ به این پرسش که «در سال‌های اخیر با موج روزافزون خشونت در آثار نمایش خانگی مواجهیم؛ آیا این روند حاصل سلیقه‌سازی فیلم‌سازان است یا انتخاب مخاطبان؟» چنین توضیح داد: «ماجرا را می‌توان از دو زاویه دید. نخست، سلیقه‌سازی از بالا به پایین است؛ یعنی فیلم‌سازان و پلتفرم‌ها معمولاً به دنبال جذب مخاطب هستند و برای این هدف از فرمول‌های امتحان‌شده جهانی استفاده می‌کنند. عناصری مثل خشونت، هیجان، معما و دوگانه قهرمان و ضدقهرمان، فرمول‌هایی هستند که سال‌ها در جهان جواب داده‌اند. خشونت یک عنصر دراماتیک قوی است و می‌تواند هیجان فوری ایجاد کند و مخاطب را تا پایان قصه نگه دارد. وقتی چنین آثاری پرمخاطب می‌شوند، سرمایه‌گذاران نیز ترجیح می‌دهند همین الگوهای تکرارشده و جواب‌پس‌داده را دوباره به کار بگیرند.» او سپس افزود: «از زاویه دیگر، ما با چیزی مواجهیم که می‌توان آن را سلیقه از پایین به بالا نامید؛ یعنی نیاز روانی مخاطبان و جامعه. جامعه ایران در سال‌های اخیر تنش‌های اجتماعی، اقتصادی و فشارهای روانی بسیاری را تجربه کرده است. در چنین شرایطی، مخاطب ناخودآگاه جذب روایت‌هایی می‌شود که با اضطراب‌ها و خشم درونی‌اش همخوانی داشته باشد. دیدن شخصیت‌هایی که خشم را عریان نشان می‌دهند یا عدالت را از مسیر خشونت طلب می‌کنند، می‌تواند به نوعی تخلیه روانی برای مخاطب باشد. بنابراین مخاطب صرفاً قربانی نیست؛ او با انتخاب و بازنشر این آثار، خود نیز به چرخه محبوبیت آن‌ها دامن می‌زند.» فتحی در جمع‌بندی این بخش توضیح داد: «در واقع، نه تنها فیلم‌ساز و نه فقط مردم، بلکه یک تعامل دوسویه در جریان است. فیلم‌ساز خشونت را به‌عنوان یک کالا عرضه می‌کند و جامعه‌ای که پر از تنش و نارضایتی است، آماده مصرف آن است. بنابراین این چرخه مدام تکرار می‌شود.»

او همچنین به شرایط جامعه افزود: «می‌توان این موضوع را چنین بررسی کرد که آیا این حجم از خشونت در سریال‌ها صرفاً بازتاب جامعه است یا موجب تشدید خشونت در جامعه هم می‌شود؟ از منظر جامعه‌شناسی رسانه، هنر مانند آینه عمل می‌کند. وقتی فیلم‌های هر دوره را بررسی کنیم، می‌بینیم بازتاب‌دهنده دغدغه‌ها و واقعیت‌های همان جامعه هستند. در جامعه‌ای که مشکلات اقتصادی، فاصله طبقاتی و فساد خانوادگی پررنگ می‌شود، طبیعی است که بازنمایی هنری هم خشونت‌آمیز باشد. برای مخاطب دیدن این روایت‌ها نوعی تأیید زیست واقعی‌اش است و به او می‌گوید: من تنها نیستم؛ دیگران هم این خشم و بی‌عدالتی را حس می‌کنند.»

این روانشناس تأکید کرد: «در عین حال، باید توجه داشت که نظریه یادگیری اجتماعی می‌گوید افراد، به‌ویژه نوجوانان و جوانان، از طریق مشاهده شخصیت‌های محبوب یاد می‌گیرند. اگر قهرمان یا ضدقهرمان خشونت را ابزاری برای رسیدن به اهداف بداند، این پیام منتقل می‌شود که خشونت مؤثر است و می‌تواند راهی برای دستیابی به نیازها باشد. در نتیجه، روایت‌ها تنها بازتاب جامعه نیستند، بلکه با تکرار و عادی‌سازی خشونت می‌توانند حساسیت روانی را کم کرده و حتی رفتار اجتماعی را تغییر دهند.» فتحی در ادامه خاطرنشان کرد: «تماشای مداوم صحنه‌های خشونت‌آمیز گاهی این احساس را در ناخودآگاه افراد ایجاد می‌کند که دنیا ذاتاً جای خطرناکی است و همین می‌تواند باعث بدبینی، ترس و پرخاشگری شود. به زبان ساده، خشونت فقط بازتاب داده نمی‌شود، بلکه در درازمدت نرمال‌سازی می‌شود و حتی می‌تواند برای برخی افراد جذاب جلوه کند.»

داوود فتحی در پاسخ به این پرسش که اگر انتخاب جامعه است، چه اتفاقی افتاده که خشونت برای مخاطب ایرانی جذاب شده؟ توضیح داد:«جامعه امروز ایران، جامعه‌ای پرتنش و فرسوده است؛ بحران‌های اقتصادی، فشارهای معیشتی، بیکاری، ناامنی آینده و سطح بالای اضطراب و خشم عمومی، همه عواملی هستند که مدام شدت می‌گیرند. از سوی دیگر، پیشینه فرهنگی ما هم نقش دارد. در فرهنگ ایرانی، برون‌ریزی خشم اغلب مصادف با بی‌ادبی و گستاخی قلمداد می‌شود، در حالی که انسان نیاز دارد بتواند به‌طور مناسب خشمش را ابراز کند. در چنین فضایی، مخاطب ناخودآگاه جذب داستان‌هایی می‌شود که هم‌سطح با تنش درونی او باشند. به همین دلیل، یک سریال آرام و شاعرانه برایش کسل‌کننده به نظر می‌رسد اما روایتی پر از انتقام و درگیری با حال و هوای ذهنی‌اش جور درمی‌آید.»

او سپس افزود: «عامل دیگر، میل به عدالت خشن است. بسیاری از مردم در تجربه زیسته‌شان دریافته‌اند که از راه‌های مسالمت‌آمیز نمی‌توان به عدالت رسید. بنابراین قهرمان یا ضدقهرمان خشونت‌طلب که در سریال حقش را با زور می‌گیرد، برایشان جذاب می‌شود؛ چون نمادی از عدالت و آرزویی است که دنبال آن هستند.

از سوی دیگر، بحران اعتماد و احساس بی‌قدرتی نیز وجود دارد. فرد احساس می‌کند که هیچ قدرتی ندارد و به دنبال اثبات خود است. تماشای چنین روایت‌هایی، به او حس توانمندی می‌دهد.» او با اشاره به جنبه‌های روانی تماشای این آثار ادامه داد: «نباید فراموش کرد که خشونت، هیجان و تعلیق ایجاد می‌کند. این هیجان ضربان قلب را بالا می‌برد و با آزاد شدن آدرنالین و دوپامین، برای مخاطب در دنیای واقعی پر از یکنواختی و فشار، نوعی سرگرمی پرانرژی به حساب می‌آید. نسل جدید نیز با بازی‌های ویدیویی و شبکه‌های اجتماعی به تصاویر سریع‌تر، پرهیجان‌تر و خشن‌تر عادت کرده است. همین تغییر ذائقه باعث می‌شود که آثار ملایم‌تر کمتر مورد استقبال قرار بگیرند.»

فتحی در پاسخ به این پرسش که آیا این روند موجب عادی‌سازی و بازتولید خشونت در جامعه نمی‌شود؟ تأکید کرد: «قطعاً این آثار پیامدهای مخربی دارند. وقتی مخاطب بارها و بارها صحنه قتل، انتقام، خیانت یا درگیری را می‌بیند، حساسیت اولیه‌اش کم‌کم از بین می‌رود. صحنه‌هایی که در ابتدا شوک‌آور بودند، پس از مدتی عادی می‌شوند. این همان پدیده‌ای است که به آن بی‌حسی هیجانی می‌گویند؛ خشونت دیگر عجیب یا ناپسند به نظر نمی‌رسد، بلکه بخشی از سرگرمی روزمره افراد می‌شود.» او خاطرنشان کرد: «این عادی‌سازی، نخستین و مهم‌ترین پیامد منفی است. اما بحث دیگری هم مطرح است؛ نظریه یادگیری اجتماعی می‌گوید نوجوانان و جوانان با مشاهده صحنه‌های خشونت‌آمیز، همانندسازی می‌کنند و به تکرار رفتار مشابه گرایش پیدا می‌کنند. این بازتولید خشونت می‌تواند در روابط اجتماعی نیز بروز کند. وقتی خشونت عادی‌سازی شود، افراد در رانندگی سریع‌تر عصبانی می‌شوند، در روابط خانوادگی زودتر به تنش می‌رسند و این چرخه مدام تکرار خواهد شد.» در پاسخ به پرسش پایانی مبنی بر این‌که «آیا رده‌بندی سنی آثار را تأیید می‌کنید؟» داوود فتحی توضیح داد: «بله، قطعاً تأیید می‌کنم و معتقدم رده‌بندی سنی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. هر گروه سنی ظرفیت متفاوتی برای درک، مدیریت و پردازش هیجانات دارد. کودکان زیر ۱۲ سال بیشتر تقلیدگرا هستند و به‌راحتی خشونت را می‌آموزند. نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ سال نیز به‌دنبال هویت و هیجان‌اند و ممکن است خشونت را بخشی از هویت خود قلمداد کنند؛ برایشان هیجان‌انگیز و حتی جذاب است. در مقابل، یک بزرگسال قدرت قضاوت بیشتری دارد و می‌تواند میان روایت هنری و واقعیت اجتماعی تمایز قائل شود.»

خشونت در آثار نمایشی

وی با اشاره به وضعیت ایران در این زمینه افزود: «واقعیت این است که صرفاً نوشتن برچسب‌هایی مانند +۱۵ یا +۱۸ کافی نیست. ما هیچ‌گونه سیستم کنترلی جدی برای اجرای این رده‌بندی‌ها نداریم و این موضوع باید بسیار دقیق‌تر و سخت‌گیرانه‌تر دنبال شود. متأسفانه در بسیاری موارد، خانواده‌ها نیز به این محدودیت‌ها پایبند نیستند. به‌عنوان مثال، وقتی نوشته می‌شود یک فیلم مناسب ۱۵ سال به بالا است، مادر ممکن است تأکید کند که فرزندش نباید ببیند اما پدر می‌گوید "ولش کن، من کنار او هستم" و با هم فیلم را تماشا می‌کنند. این یعنی فرهنگ‌سازی لازم در خانواده‌ها اتفاق نیفتاده است.»

او در پایان خاطرنشان کرد: «این مشکل به‌ویژه در آثار خشن پررنگ‌تر است. شاید خانواده‌ها در مواجهه با موضوعات عاشقانه یا جنسی کمی حساسیت نشان دهند، اما در مورد فیلم‌های خشن تقریباً هیچ حساسیتی وجود ندارد. همین سهل‌انگاری باعث می‌شود کودکان و نوجوانان بدون هیچ فیلتر و مراقبتی در معرض تصاویر و روایت‌های خشونت‌آمیز قرار بگیرند.»

آنچه از دل این گفت‌وگو روشن می‌شود، تصویری دوگانه است: خشونت در سریال‌های امروز هم بازتابی از فشارها و خشم انباشته جامعه است و هم عاملی که می‌تواند به تداوم و بازتولید آن کمک کند. در جامعه‌ای که بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی مجال چندانی برای آرامش باقی نگذاشته‌اند، طبیعی است که مخاطب جذب داستان‌هایی شود که با اضطراب‌ها و خشم‌های درونی‌اش هم‌صداست.

اما همین انتخاب ناخودآگاه، چرخه‌ای معیوب را شکل می‌دهد: تماشای خشونت، حساسیت نسبت به آن را کاهش می‌دهد، خشونت عادی و حتی جذاب می‌شود و در نهایت، امکان بروز آن در زندگی واقعی افزایش می‌یابد. به گفته داوود فتحی، راه‌حل فقط در دست فیلم‌ساز یا فقط در دست جامعه نیست، بلکه نیازمند مسئولیت‌پذیری دوطرفه است: فیلم‌سازان باید آگاهانه‌تر با روایت خشونت برخورد کنند و خانواده‌ها نیز باید رده‌بندی سنی را جدی بگیرند. در غیر این صورت، نمایش خانگی ایران با تمام پرمخاطب بودنش، ممکن است بیش از سرگرمی، به ماشین بازتولید خشونت بدل شود.

هوشمند عقیلی، خواننده قدیمی در لس‌آنجلس درگذشت

هوشمند عقیلی، خواننده و آهنگ‌ساز نام‌آشنای موسیقی ایرانی، روز جمعه ۱۴ شهریور ۱۴۰۴ در لس‌آنجلس و در سن ۸۸ سالگی پس از چندین سال مبارزه با بیماری درگذشت.

به گزارش انتخاب، هوشمند عقیلی، خواننده قدیمی در لس‌آنجلس درگذشت هوشمند عقیلی، خواننده قدیمی در لس‌آنجلس درگذشت. ترانه‌ی«فردا تو می‌آیی» به آهنگسازی جهانبخش پازوکی و صدای هوشمند عقیلی از جمله خاطرات جمعی ایرانیان است. کمتر کسی می‌داند این ترانه از تیغ سانسور ساواک در امان نبود. هوشمند عقیلی، خواننده و آهنگ‌ساز نام‌آشنای موسیقی ایرانی، روز جمعه ۱۴ شهریور ۱۴۰۴ در لس‌آنجلس و در سن ۸۸ سالگی پس از چندین سال مبارزه با بیماری درگذشت. از جمله ترانه های ماندگار او «فردا تو می‌آیی» با آهنگسازی جهانبخش پازوکی است که عقیلی را به یکی از صداهای محبوب و خاطره‌ساز موسیقی ایران بدل کرد. هوشمند عقیلی سال‌ها پیش در مصاحبه‌ای ماجرای خلق ترانه‌ی «فردا تو می‌آیی» را نقل می‌کند. او می‌گوید: این آهنگ تمرین و ضبط شد و در برنامه تلویزیونی آقای قریب افشار در تلویزیون پیش از انقلاب پخش شد. شعر اصلی ترانه این بود:

امشب سرای سینه ی من گریه بارونه
امشب چه آسون میریزن اشکا روی گونه
امشب خدا هم بنده‌ی خود را غضب کرده
غم ها همه از سینه‌ی من سر در آورده
این گریه زاری را اون نمی‌دونه، نمی‌دونه

ساواک فکر کرده بود این شعر سیاسی است و جهانبخش پازوکی را روز بعد از پخش این آهنگ خواسته بود و پرسیده بودند: که هدف تو از این شعر چیست؟ آیا مملکت غم و اندوه دارد؟ ساواک از پازوکی خواست این شعر را عوض کند. او بلافاصله گفته بود شعر را عوض می کنم و گفته بود: «امشب دلم میخواد تا فردا می بنوشم من/ زیباترین جامه‌هایم را بپوشم من» و ساواک این راقبول کرد!

مفقودی

کارت ماشین،برگ سبز و سند کمپانی سواری پراید تیپ: صبا GTXi مدل:۱۳۸۵ رنگ: سفید به شماره موتور: ۱۷۹۸۴۹۸ وشماره شاسی: S۱۴۱۲۲۸۵۲۸۶۶۷۷ به شماره پلاک: ایران ۱۴_ ۷۴۹ ج ۵۱ مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

قم ۳۵۲۰

برگ سبز و سند مالکیت و سند کمپانی خودروی سواری سیستم پژو PARSTU۵ مدل ۱۳۹۷ رنگ سفید روغنی شماره پلاک ۳۷ ایران ۵۱۳ ب ۷۱ شماره موتور B۰۲۰۹۵۹۹ ۱۶۴ شماره شاسی NAAN۱۱FE۶JH۹۵۵۱۹۶ متعلق به نازدار سعیدی مفقود و ازدرجه اعتبار ساقط می باشد ۳۵۰۵

اکهی میشود در مورخه۱۴۰۴/۱/۳۱ مدارک شناسنامه خودروFMC با پلاک۲۱م۸۲۱ایران ۶۰ بشماره VIN-NUMN۲۰JC۳A۲۴SA۰۰۷۳۷۵توسط پلیس راهنمایی ورانندگی امحا شده است

۳۵۰۴

اینجانب شایان هادی پور پس کلاسی مالک خودرو سمند پژو ۲۰۷I به شماره شاسی NAAR۰۳FEVMJ۵۴۱۵۵۲ وشماره موتور B۰۱۳۸۱۲۵۱۶۷ بعلت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده‌ام لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص تهران کرج شهرک پیکانشهر ساختمان سمند طبقه ۱ مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

۳۵۲۱

مفقودی

شناسنامه مالکیت خودروی سواری هاچ بک پاناروما سیستم پژو تیپ ۲۰۷ITU۵ مدل ۱۴۰۰ به رنگ سفید به شماره انتظامی ۱۴۷ص۹۴ ایران ۵۶ وشماره شاسی NAAR۰۳FEVMJ۵۴۱۵۵۲ به شماره موتور B۰۱۳۸۱۲۵ ۱۶۷ متعلق به شایان هادی پور پس کلاسی مفقود وازدرجه اعتبار ساقط میباشد ۳۵۲۲

آگهی موضوع ماده۳ قانون و ماده۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱-برابر رای شماره۱۴۰۴۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۷۷۹۷ مورخ۱۴۰۴/۰۵/۲۱ کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۰۵۶۹ و رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۷۷۹۸ مورخ۱۴۰۴/۰۵/۲۱ کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۰۵۷۰ و رای شماره۱۴۰۴۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۷۷۹۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۱ کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۰۵۷۱ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان ۱-آقای غلامرضا خمسهء کرمی به شناسنامه شماره۱ کدملی ۴۳۲۴۱۲۱۴۷۸ صادره قزوین فرزند عبداله در میزان دو دانگ مشاع از ششدانگ ۲- خانم فاطمه کاتبی به شناسنامه شماره ۱۰۸ کدملی ۵۰۹۹۸۲۲۰۲۹ فرزند امیرعلی در میزان دو دانگ مشاع از ششدانگ ۳-آقای محمدمهدی ایراندوست به شناسنامه شماره ۵۰۹۰۲۲۰۹۵۶ کدملی ۵۰۹۰۲۲۰۹۵۶ فرزند احد در میزان دو دانگ مشاع از ششدانگ یک باب صحن و راهرو مشاعی به مساحت ۵۰،۲۹ مترمربع پلاک ۲۸۵۵ اصلی واقع در قزوین بخش۳ حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین محرزگردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۱۹۹۵۱۰۲
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

شعبان عسگری
رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه یک قزوین
۳۵۰۳

مفقودی

شناسنامه مالکیت(برگ سبز) ، سند کمپانی خودرو سواری سیستم پژو تیپ PARS XU۷ مدل ۱۳۹۷ به رنگ سفید به شماره موتور ۱۲۴K۱۲۶۱۹۰۷ و شماره شاسی NAAN۰۱CEAJH۳۳۳۰۲۷ و شماره انتظامی ۷۶۲ ط ۳۹ ایران ۹۵ بنام اسماعیل قاسمزائی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

چابهار ۳۵۰۶

مفقودی

شناسنامه مالکیت(برگ سبز) خودرو سواری سیستم سایپا تیپ تیبا مدل ۱۳۹۵ به رنگ سفید-روغنی به شماره موتور M۱۵/۸۳۷۶۸۲۰ و شماره شاسی NASA۱۱۱۰۰G۵۷۳۱۷۶۸ و شماره انتظامی ۷۲۷ ق ۲۶ ایران ۹۵ بنام کریم بخش ناروئی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

چابهار ۳۵۰۷

مفقودی

شناسنامه مالکیت(برگ سبز) ، سند کمپانی خودرو کامیونت-ون سیستم زامیاد تیپ Z۲۴NIM مدل ۱۴۰۰ به رنگ آبی-روغنی به شماره موتور M۲۴ ۸۶۴۹۳۲M و شماره شاسی NAZPL۱۴۰TM۰۶۴۲۹۴۰ و شماره انتظامی ۴۲۷ ق ۸۵ ایران ۹۵ بنام عابد اسمعیلی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

چابهار ۳۵۰۸

مفقودی

شناسنامه مالکیت(برگ سبز) ، سند کمپانی خودرو کامیونت-ون سیستم زامیاد تیپ Z۲۴NIM مدل ۱۴۰۰ به رنگ آبی-روغنی به شماره موتور M۲۴۸۶۴۶۰۲M و شماره شاسی NAZPL۱۴۰TM۰۵۹۹۵۷۹ و شماره انتظامی ۵۳۳ ق ۸۵ ایران ۹۵ بنام عابد اسمعیلی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

چابهار ۳۵۰۹

مفقودی

شناسنامه مالکیت(برگ سبز) ، سند کمپانی خودرو کامیونت-ون سیستم زامیاد تیپ Z۲۴NIM مدل ۱۴۰۰ به رنگ آبی-روغنی به شماره موتور M۲۴۸۶۵۹۹۰M و شماره شاسی NAZPL۱۴۰TM۰۶۴۳۹۳۶ و شماره انتظامی ۴۳۳ ق ۸۵ ایران ۹۵ بنام عابد اسمعیلی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

چابهار ۳۵۱۰

مفقودی

شناسنامه مالکیت(برگ سبز) ، سند کمپانی خودرو کامیونت-ون سیستم زامیاد تیپ Z۲۴NIM مدل ۱۴۰۰ به رنگ آبی-روغنی به شماره موتور M۲۴ ۸۶۵۲۲۶M و شماره شاسی NAZPL۱۴۰TM۰۶۴۳۰۹۵ و شماره انتظامی ۴۴۳ ق ۸۵ ایران ۹۵ بنام عابد اسمعیلی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

چابهار ۳۵۱۱

مفقودی

شناسنامه مالکیت(برگ سبز) ، سند کمپانی ، پروانه تردد و کارت مشخصات خودرو سواری استیشن سیستم تویوتا تیپ راو۴ مدل ۲۰۰۷ به رنگ سفید به شماره موتور ۲۷۸۸۶۹۱ و شماره شاسی ۰۸۵۱۲۴۵۲۱ و شماره انتظامی ۲۱۴۵۱ چابهار ۷۷ بنام محمد کهولی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

چابهار ۳۵۱۲

مفقودی

شناسنامه مالکیت(برگ سبز) ، سند کمپانی و کارت مشخصات خودرو سواری سیستم رنو تیپ SAFRANE مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید به شماره موتور VF۱ABLCCACC۲۶۳۳۷۵ و شماره شاسی N۱۹۵۸۶۴ و شماره انتظامی ۲۶۳۸۲ چابهار ۷۷ بنام صدیقه فقانی نوده مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

چابهار ۳۵۱۳

مفقودی

شناسنامه مالکیت(برگ سبز) ، سند کمپانی و کارت مشخصات خودرو سواری سیستم سمند تیپ SOREN-XUVP مدل ۱۴۰۴ به رنگ سفید-روغنی به شماره موتور ۱۲۵K۰۴۰۸۵۶۵ و شماره شاسی NAACV۱HLFSPH۰۰۰۴۹ و شماره انتظامی ۵۴۴ ن ۹۲ ایران ۹۵ بنام عین البخت پرکی کوشانی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

چابهار ۳۵۱۴

مفقودی

شناسنامه مالکیت(برگ سبز) ، سند کمپانی خودرو وانت دو کابین سیستم تویوتا تیپ هایلوکس مدل ۲۰۰۳ به رنگ جگری به شماره موتور ۳۱۰۹۲۴۱ و شماره شاسی ۰۰۲۹۳۲۱ و شماره انتظامی ۱۷۳۹۸ چابهار ۷۷ بنام شرکت کنکورد مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

چابهار ۳۵۱۵

مفقودی

شناسنامه مالکیت(برگ سبز) ، سند کمپانی و کارت مشخصات خودرو وانت دو کابین سیستم تویوتا تیپ هایلوکس مدل ۲۰۰۳ به رنگ سفید به شماره موتور ۳RZ۳۱۸۸۶۸ و شماره شاسی JTFDM۶۲۶۰۴۰۰۳۱۶۶ و شماره انتظامی ۱۷۵۶۱ چابهار ۷۷ بنام یحیی رلدان مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

چابهار ۳۵۱۶

مفقودی

سند سفید ، سند کمپانی موتور سیکلت انژکتوری سیستم پیشتاز تیپ ۱۲۵ مدل ۱۳۹۸ رنگ آبی و شماره موتور ۰۱۲۴NEG۴۵۰۵۱۳ و شماره تنه NEGAAPKBDK۱J۰۴۳۹۱ و شماره انتظامی ۱۳۵۳۱ ایران ۸۲۴ بنام عمران بهرام زهی ناز مفقود و از درجه اعتبار ساقط میباشد.

چابهار ۳۵۱۷

مفقودی

سند کمپانی موتور سیکلت سیستم بلوچ تیپ ۱۵۰cc مدل ۱۳۹۵ رنگ مشکی-متالیک و شماره موتور ۰۱۵۰NCTA۱۵۷۹۴ و شماره تنه NCT***۱۵۰E۹۵۱۹۴۸۸ و شماره انتظامی ۳۳۳۲۳ ایران ۸۲۳ بنام عبدالرئوف دهواری مفقود و از درجه اعتبار ساقط میباشد.

زاهدان ۳۵۱۸

مفقودی

سند کمپانی موتور سیکلت سیستم پاکسیما تیپ CG۱۲۵ مدل ۱۳۸۵ رنگ مشکی و شماره موتور ۷۷۶۴۵۸ و شماره تنه NEA***۱۲۵CA۵۰۱۴۰۸ و شماره انتظامی ۴۴۷۸۶ ایران ۶۳۹ بنام غلامرضا رجبی کهدوئی مفقود و از درجه اعتبار ساقط میباشد.

زاهدان ۳۵۱۹

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابررای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۷۰۰۵۰۰۰۹۷۵وای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۷۰۰۵۰۰۷۱۲۷مورخه ۱۴۰۴/۰۵/۰۷هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر درواحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای احسان عطائیان فرزند عبدالحسین بشماره ملی ۰۶۸۱۹۶۸۲۷۳ درششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۹۰/۰۵مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۱۵۵-اصلی واقع در(کهنه کند) بخش ۲حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد از محل مالکیت ثبتی آقایان رستم و احمد علی آبادی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذرسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶

سعید عقیقی
رئیس ثبت اسناد و املاک ۳۲۲۹

مفقودی

بدینوسیله اعلام می دارد شناسنامه مالکیت (برگ سبز) خودرو سواری سیستم پراید تیپ صبا (جی.تی.ایکس) رنگ سفید شیری- معمولی به شماره موتور 544964 و به شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۲۹۸۵۳۹۴ بشماره پلاک ۵۷۲ ط ۱۶ ایران ۲۴ مدل ۱۳۸۲ بنام مهناز رمضان پور اصفهانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۰۰۰۲۰۰۲۱۷۱ هیات اول دوم/ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک دو گنبدان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای بهروز قلی زاده فرزند ظفر بشماره شناسنامه ۱۶۴۷ صادره از دوگنبدان در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۴۸.۳۸ مترمربع پلاک ۶۰۶ فرعی از ۲ اصلی واقع در قریه ماهور باشت محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند